



در راه پیمائی بر ضد امپریالیسم امریکا هر چه وسیع تر شرکت کنیم

حزب جمهوری اسلامی شرکت کنند. محل تجمع: برای اعضا، دوستان و هواداران حزب توده ایران: داسگاه تهران

ساعت شروع حرکت از این محل به طرف میدان ۱۷ شهریور: ۲/۵ بعد از ظهر

محل میتینگ: میدان ۱۷ شهریور، ساعت آغاز میتینگ: ۵ بعد از ظهر

کمیته مرکزی حزب توده ایران: ۱۳۵۸/۳/۲

برای ابراز خشم و نفرت نسبت به دخالت گستاخانه امپریالیسم تجاوزکار و غارتگر امریکا در امور داخلی ایران، حزب توده ایران، همه مردم میهن پرست و ضد امپریالیست، همه نیروهای انقلابی، همه اعضا، هواداران و دوستان حزب را فرا می خواند که هر چه وسیع تر در تقاضای بزرگ ضد امپریالیسم امریکا شرکت کنند.

حزب توده ایران، وفادار به سیاست اصولی خود مبنی بر اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی، از همگان دعوت می کند که در مسیرها و محل اعلام شده برای راه پیمائی و میتینگ از طرف

از کدامین سو خطر «فاشیسم» ایران را تهدید می کند؟

«معمائی» که حل آن دشوار نیست

در تبلیغات کتب مطبوعات چپ و چپ نما و بورژوا لیبرال، مانند «پیمان امروز»، «آزادی»، «کار»، «توفان»، «کارگر»، «پیکار» و نظائر آنها، و از آن به مراتب وسیع تر، در تبلیغات شفاهی این گروه ها بین روشنفکران و کارمندان این روزها از «خطر فاشیسم» صحبت می شود. تبلیغ گران این خطر پنهان نمی کنند که این خطر که می خواهد انقلاب را دفن کند و انحصار ایده توتلوری مین و سیطره قدرت سیاسی گروه محدودی را برقرار سازد، از جانب روحانیت است. طبیعی است، که با انواع لطایف لیل این تبلیغات متوجه رهبری پی گیر ضد امپریالیستی امام خمینی می شود.

برخی اقدامات، مانند دخالت کمیته ها برای «حذف» جلوگیری از توزیع و فروش روزنامه ها و نشریات چپ در برخی از شهرها و نظائر آن از سوئی، و حوادثی که درباره برخی جرایم معروف تهران مانند «اینگانه» و «کیشیان» رخ داده از سوی دیگر، زمینه ایجاد نوعی هراس، به ویژه در قشرهای روشنفکری و کارمندی شده است. واکنش های وسیعی در این زمینه صورت گرفته و در آینده نیز باید منتظر تکرار آنها بود.

نظر اصولی ما درباره این نوع مسائل مشخص روشن است. ما سردار مراعات اکتید موازین دموکراتیک و امروزین زندگی اجتماعی هستیم و طبیعی است که بدماخله هرگونه قدرتی را برای نفوذ ساختن این موازین، تایید نمی کنیم و آن ها را مضرب حال یکپارچگی مردم می دانیم و برآنیم که مواضع انقلابی اینان نیست خواست های اساسی انقلاب استقلال، دموکراسی، رفاه عمومی، ترقی بقیه در صفحه ۵

امام خمینی گفت: مار و ابط با امریکا را می خواهیم چه کنیم؟

امام خمینی در دیدار خود با فشار لرستان و خرم آباد، در محکوم کردن دخالت گستاخانه امریکا در امور داخلی ایران، از جمله چنین گفت:

یکی دودز پیش از این در روزنامه بود که ستای امریکا به نام آراه اعلام می داشت که در ایران شده است محکوم کرده. آنهم که طرح داده یکی از دوستان اسرائیل است و خودش هم از سوسیالیست است. معلوم است که ستای امریکا باید باز محکوم کند. نسکی گستا، ما بدانییم که آیا ما را محکوم میکند. سوات امریکا نیز ما را محکوم میکند. شما خالاحوش را فرستید. جانان امریکا ما را محکوم میکند. برای اینکه آن دای که بدل امریکا دارد شده است بواسطه این سیستم بدل جکس وارد شده. هیچ کدام از مخالف با اداره این سیستم نمی کنند. ما با محکوم باسم توقع اینکه سوسی امریکا مثلا و نظیر یا ما باید توقع بجای آن است. توقع اینکه امریکای ما را محکوم کند ما چنین بوسی را امریکای خارج. دروسا که دولت ایران از اسرائیل ... و قطع می در صفحه ۶

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران: مردم در انتظار واکنش عملی سخت دولت موقت نسبت به مداخله اهانت آمیز دولت امریکا در امور داخلی ایران هستند

مردم خواهان بسیج نیروها در جبهه متحد خلق برای مقابله با امپریالیسم امریکا هستند

قطعه نامه ۱۷ ماه مه ستای امریکا حلقه ای از سلسله مداخلات بی پزده و خشن امپریالیسم امریکا در امور داخلی کشور ماست. در این قطعه نامه، اعدام جنایت کاران در ایران «تقیح» شده، از صدور احکام مجازات دادگاه های انقلابی نسبت به تبه کاران ضد انقلابی ابراز «انزجار» شده، تهدید به عمل آمده که در صورت ادامه مجازات شکنجه گران و ادمکنان حرفه ای «روابط دوستی و نزدیکی» بین دولت امریکا با ایران پمفاطره خواهد افتاد و از دیگر دولت های امپریالیستی دعوت شده که در این کارزار، با ستای امریکا بفرود انقلاب ایران، همصدا شوند.

صدور چنین قطعه نامه ای از جانب ستای امریکا، تنها انعکاس فغان انحصارهای امپریالیستی دلسوخته ای نیست که کشور ما را بدتر از دره شیرگرنه غارت می کردند، تنها زوزه تشنج طلبان و جنگ افروزان و تجاوزگران به حقوق ملت ما نیست که یکی از مهم ترین پایگاه های نظامی خود را از دست داده اند، تنها بازتاب آفسوس «سپا» و دستگاه جاسوسی و پتاکون نیست که ایران را به قرارگاه دساتر خطرناک خود در منطقه بدل ساخته بودند، تنها نمودی از درد «سوسیالیسم» نیست که «متعدی» را در دست داده است.

صدور چنین قطعه نامه ای، علاوه بر ابراه، هدف معینی را دنبال می کند. دستگاه دولتی ایالات متحده امریکا این قطعه نامه را صادر کرده، تا تمام عناصر انقلابی را که در ایران عمل می کنند و تمام نیروهای جهانی را که بر ضد انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایرانند، تشویق به ادامه و تشدید فعالیت نماید.

قطعه نامه در واقع می گوید که امریکا ستر مبارزه را ترک نکرده، حامی و مددکار نیروهای ضد انقلاب ایران، چه در داخل کشور و چه در خارج آنست. قطعه نامه می گوید که عناصر و نیروهای ضد انقلابی می توانند به پشتیبانی امریکا دنگرم باشند، می توانند به اشتهای ناپذیری امریکا با انقلاب ایران مطمئن باشند.

واکنش خلق ستمدیده ایران باین مداخلات بی شرمانه امریکا در امور داخلی ایران، گسترده و طبیعی بود. امام خمینی، در بیان اراده قاطع خلق، به تهدید امریکا در زمینه به «مفاطره افتادن روابط امریکا با ایران»، پاسخ دقیق و دندان شکنی داد: «روابط ما با امریکا روابط یک مظلوم با ظالم است. روابط یک مغارت شده با یک غارتگر است، ما روابط با امریکا را می خواهیم چه کنیم؟»

از طرفی نیز وزارت خارجه ایران در یادداشتی اعلام داشت که «ادامه چنین رویه خصمانه ای از جانب مقامات مسئول امریکا، باعث خواهد شد که دولت ایران زیر فشار افکار عمومی خلق ستمدیده مجبور شود در روابط خود با امریکا درجهت معدوم نمودن آن تجدیدنظر نماید.»

اینک برای قطع امید امپریالیسم، سوسیالیسم و ضد انقلاب داخلی باید اقدام کرد. دولت نباید به تهدید اکتفا کند. در مقابل این توهین بی پروا و گستاخانه امپریالیست ها و سوسیالیست ها، مردم بی تابانه در انتظارند که دولت جمهوری اسلامی ایران توهنی سختی به امپریالیسم جهان خوار یاتی بزند.

به نظر ما، تعلل و مسامحه دولت در لغو قراردادهای نابرابر و اسارت آور، که از طرف امپریالیسم امریکا به وسیله شاه مخلوع بر کشور ما تحمیل شده اند، خود یکی از عللی است که امپریالیسم را بقیه در صفحه ۶

در خانواده ما (روایت)

مادرک می گفت هر یکی است کار ما، شوهرم بر می سلامت دخترم اگر که در کار کابست. و معلم در جواب شهر نوده ای. 1971

اصغر من با ننگ کوچکش هربس نگهبان در خیابانها. هر سه اما دشمن شاهد هر سه تا بر ضد امریکا. من دشمنان می گم هربس کارویار و بخت و پزیشان هم با سلامت اینجا. فرجاده آور

تداوم انقلاب در همه زمینه ها بخاطر آن ها که نهضت را از پیش بردند

در بلاغاتی که هفته پیش بین مایندگان «سرمای حیات از تولید کنندگان و مصرف کنندگان» و امام خمینی اعلام گرفت. امام نامه با اشاره به وضع «گوری» که اینک بزبانی از روحانی بر روی به محمود آمده، ناخوسودی و مگرانی خود است به وضع احمدی کشور ایران در چشمه، ایشان به درس حارسان ساخته که ایران اینک دشواری های ایران دور است. اقتصاد کشور ناتوان شده و رشته امور کشاورزی از هم گسخته که سلسله این ها

داشته اند به همین جهت توقع آنست که جای زنان در جامعه پس از انقلاب، متناسب با آن نقش ارزنده ای باشد که زنان در جریان مبارزات همرمانه اخیر ایفا کرده اند.

بدون شک این نخستین بار نیست که زنان، در صحنه مبارزات ضد استبدادی و ضد امپریالیستی خلق خود درخشیده اند. در سراسر تاریخ معاصر ایران، زنان در تمام عرصه های مبارزاتی نقش چشمگیر داشته اند: شرکت زنان در جنبش تباکو، در انقلاب مشروطیت، علیه دیکتاتوری رضا شاه، علیه فاشیسم، بر ضد ارتجاع و امپریالیسم در سال های پس از شهریور

برابری زن و مرد یکی از خواست های مبرم انقلاب ما

در این روزهای پس از انقلاب، وضع زن در جامعه در کیفیت حقوق و وظایف او، به عنوان یکی از مهم ترین مسائل مطرح است. ممکن بر آنست که زنان در مبارزه علیه استبدادی شاه مخلوع و امپریالیسم حامی آن، نقش مهمی ایفا نموده و در بازگونی آن نظام طاغوتی و پیروزی انقلاب سیم قابل تحسینی

بامبارزه متحد، توطنه مداخله گرانه امپریالیسم امریکا را عقیم سازیم

برخی مسائل مربوط به بهره‌برداری از ذخایر گاز ایران در حال و آینده

آمار سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) حاکیست که در سال ۱۳۴۸ (۱۹۶۹) از ۲۷ میلیارد متر مکعب گازهای استخراجی در ایران، ۶٫۶ میلیارد متر مکعب آن به‌نحوه مورد استفاده قرار گرفته و بقیه، یعنی بیش از ۸۳ درصد آن، آتش زده شده است. مقدار گازی که شرکت غاسب سابق انگلیسی نفت و کنسرسیوم غارتگر بین‌المللی، در سال‌های غارت ذخایر نفت ایران، سرزده و بی‌بهره بوده داده‌اند، ۴۰۰ میلیارد متر مکعب بالغ می‌گردد. ارزش این مقدار گاز، با محاسبه قیمت‌های کنونی، بیش از ۱۵ میلیارد دلار است.

شرکت غاسب نفت و کنسرسیوم غارتگر بین‌المللی - توانستند و می‌بایست لاف‌بختی از کارهای حاصله از چاه‌های نفت را دوباره به چاه‌ها بازگردانند. در همان سال ۱۹۶۹، از ۴۷ میلیارد متر مکعب گازهای استخراجی در ونزوئلا، ۲۱ میلیارد متر مکعب آن مجدداً به چاه‌های نفت تزریق شده است.

با انعقاد اولین قرارداد فروش گاز ایران به‌اتحاد شوروی در یک قبل، امکان استفاده شش سالانه تا ۵ میلیارد متر مکعب از گازهای طبیعی ایران فراهم گردید. تعویق گاز ایران به‌اتحاد شوروی، از سال ۱۳۴۹، با اتمام ساختن اولین مرحله از گاز سراسری، آغاز شد. از سال ۱۳۵۱، که از این لوله با ظرفیت کامل استفاده می‌شود، همه‌ساله ۱۰ میلیارد متر مکعب گاز ایران تعویق افتاد. برای این امر، با فروش این مقدار گاز، ایران به‌نقطه توانست هزینه خرید و ایجاد اولین کارخانه خوب آن را، که هم‌اکنون بهره‌برداری از سوختن آن، با ظرفیت سالانه ۱٫۹ میلیارد تن چدن و فولاد آغاز می‌گردد، پرداخت نماید. بلکه به‌خرید و ایجاد کارخانه ماشین‌سازی ارارک، ایجاد نیروگاه آبی و سد ارس و نیروگاه‌های حرارتی و هم‌سما طرح دیگری، با استفاده از کمک فنی اقتصادی اتحاد شوروی، موفق گردد.

در کتاب «نفت ایران»، که از طرف شرکت ملی نفت ایران انتشار یافته، از آنجا می‌شود که اگر قرارداد فروش گاز ایران به‌اتحاد شوروی منقذ نمی‌شد، کار گاز رسانی به‌داخل کشور، به‌علت هزینه‌های سنگینی که این‌توجه طرح‌ها دربردارد، نمی‌توانست به اجرا درآید.

مجموعه گازهای حاصله از چاه‌های نفت در ایران، هم‌اکنون سالانه به ۴۵ میلیارد متر مکعب می‌رسد، که مجموعاً یک‌سوم آن مورد استفاده است، یعنی سالانه ۳۰ میلیارد متر مکعب از گازهای تولیدی در کشور سوزانده شده و به‌بهره می‌رود. و این باوجود صدور سالانه ۱۰ میلیارد متر مکعب گاز به‌اتحاد شوروی و استفاده‌ای است که برای مصارف داخلی به‌عمل

خودمختاری ملی ضامن دوستی و برابری خلق‌های ایران است

تدوین وجود ملیت‌ها را در ایران انکار می‌کرد، اکنون به‌منظور تصفیه انقلاب و ایجاد بی‌ثباتی در کشور، عوامل خود را برای افشاندن بند نقایق و بی‌اعتمادی در میان خلق‌ها پیچ می‌کنند؛ همانطور که ضدانقلاب برای برانگیختن نیروهای انقلابی مذهبی و غیر مذهبی علیه هم، در سراسر کشور می‌گوشند، در نواحی مختلف، در سنج و گنبد و نهد و بلوچستان و خوزستان نیز میان برداران کرد و آذربایجانی، فارس و ترکمن، عرب و روم، سنی و شیعه به تحریک و دسیسه می‌پردازد؛ ضدانقلاب با استفاده از بازمانده‌های فئودالی، به مآنه‌های رژیم سرنگون شده، عمال ساواک و جاسوسان خارجی، نمای شوم تجزیه طلبی را سر می‌دهد، که متأسفانه برخی از نیروها و سازمان‌ها نیز با عمل نامنجیده و ماجراجویانه خود نادمه به آن دامن می‌زنند.

همه این پیشداوری‌ها، تحریکات و فتنه‌انگیزی‌ها، حل مسیح و عادلانه مسئله ملی را دشوار می‌سازد و مسحت اصل خودمختاری را در میان بعضی نیرو-های انقلابی در معرض شک و تردید قرار می‌دهد. ولی این دشواری و تردید نمی‌تواند و نباید مانع از اقدام در جهت حل مسئله‌ای که انقلاب در پیش مردم ایران مطرح کرده است، گردد.

خودمختاری، به‌معنای صحیح و واقعی کلمه، هرگز به‌معنای جدایی‌خواهی و تجزیه طلبی نیست. پایان دادن به مسئله ملی، به‌معنای ایجاد برابری برای تمام خلق‌های ساکن ایران در برخورداری از حقوق ملی و اجتماعی و فرهنگی است، و اشتراک منافع در برابر دشمنان داخلی و خارجی تعیین می‌کند. و شرایط را برای یک پیوند ناگسستی و داوطلبانه میان آنان به‌وجود می‌آورد. هر قدر این برابری عمیق‌تر و واقعی‌تر باشد، همانقدر نیز این اتحاد و پیوند امیدوار و استوارتر و پایدارتر خواهد بود.

در کشورهای کنترالملله‌ای نظیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و یا چکسلواکی که نظام سوسیالیستی در

پس از انقلاب، به‌من، مسئله ملی وحل عادلانه آن، به‌یکی از مسائل حادی بدل گردید، که انقلاب باید به آن پاسخ گوید. این مسئله از سال‌ها پیش در ایران مطرح است.

در دوران رژیم سابق، وجود هیئت‌های مختلف در سرزمین ایران انکار می‌شد و به‌معنی جهت وجود مسئله‌ای به نام مسئله ملی نفی می‌گردید. زبان و فرهنگ و آداب و رسوم خلق‌های ساکن ایران، به‌بهانه ایرانی بودن و پانمشاه نژادی این خلق‌ها، که گویا همه از نژاد واحد آریایی هستند، نادیده گرفته می‌شد. روشنفکران تاریخی خواهان‌های که بومی از تاریخ و قانون‌مندی‌های تکامل جامعه نبرده بودند، به‌این دلیل که زبان آذربایجانی، زبانی است آکسای، و تمجید شده، اصالت ملی خلق آذربایجان، دومین خلق بزرگ مین را، زیر علامت سؤال قرار می‌دادند. رژیم پهلوی می‌گوشید مسئله ملی را يك مسئله ساختگی جلوه دهد، که گویا آئیده ذهن کمونیست‌ها و حزب توده ایران است و آن‌ها این مسئله را برای تجزیه کشور مطرح می‌کنند.

اکنون پس از انقلاب، کمتر کسی است که آشکارا نکر وجود ملیت‌های مختلف در ایران باشد. ولی کسانی که هنوز هم باطن وجود ملیت‌ها را نکرند و با مخالف حل عادلانه مسئله ملی هستند، بدون بیان آشکار این نظر، در طرح مسئله انجمن‌ها یا شوراهای که در عین حال باید به‌معنای طرح وحل مسئله ملی نیز باشد، زیر کانه این مسئله را مسکوت می‌گذارند. آن نیروها و سازمان‌ها و معارف سیاسی و اجتماعی هم، که وجود ملیت‌ها را در ایران تأیید می‌کنند، درباره حل این مسئله نظر و برنامه یکسانی ندارند. هنوز یار پیش-داوری‌هایی که از زمان رژیم ستورپهلوی درباره خلق‌های ساکن ایران و مسئله خودمختاری آنان به‌وجود آمده، بردوش برخی نیروهای سیم در انقلاب سنگینی می‌کند.

از سوی دیگر، ضد انقلاب، که

از کمک شما سیاست‌گزاریم

| | |
|---------------|-----------|
| روزیه ۸ ساله | ۱۰۰۰ ریال |
| روزیه ۱۰ ساله | ۱۰۰۰ ریال |
| روزیه ۱۲ ساله | ۱۰۰۰ ریال |
| روزیه ۶ ساله | ۵۰۰ ریال |



تأیید باید که اساسی بر رشد سریع و همه‌جانبه صنایع گاز و بهره‌برداری صنعتی از ذخایر آن انتقال یابد، به طوری که ایران در کوتاه مدت بتواند مقام شایسته خود را در صنعت و بازرگانی گاز طبیعی در جهان، متناسب با سهم ذخایر ثروت گاز خود تحصیل نماید و عقب‌ماندگی ناشی از تسلط امپریالیسم را مرتفع سازد.

جمهوری جوان ما، با آنکه به‌یک سیاست ملی و خلقی و با بهره‌گیری از امکانات وسیع موجود در جهت بهره‌برداری مستقل و ترمبختی از منابع عظیم نفت و گاز کشور، خواهد توانست موجبات رشد سریع و همه‌جانبه اقتصاد پیشرفته ملی را فراهم آورد.

از کدامین سو خطر

مستحق، کشاورزی و فرهنگی است. تندی دیگر مطالب. اما در آنچه که مربوط به «خطر فاشیسم» و تجدید اختناق و عقیم کردن انقلاب است، مانیز برآنیم که این خطر به طور واقعی زودتر دارد. منتها تفاوت ما با برخی داوران معمول وسطی در آنست که ما احتیاطاً روحانیت مترقی و انقلابی و بر راس آن امام خمینی را، آن نیروی نمایی که چنین خطری را ایجاد کرده باشد. ما این خطر را از جای دیگر، از ناحیه امپریالیسم و عملانگارنگ «چپ» و راست ایرانیش و افزارهای معصوم عمل این معال می بینیم که خواه در جامعه روحانی نمائی و با تکرار آیات و احادیث، خواه در سایه «داس و چکش» و با سخنان مارکس و رلین برلب، از اینسو و آنسو، بهم دیگر، بیانه های مساعد می دهند تا بازار هر چه آشفته تر شود.

از یک سو کسانی، تحت عنوان، اجرائی سازمان اسلامی، دیدم مشکلات زائد و حتی مضری برای زندگی عادی مردم ایجاد می کنند و از سوی دیگر کسانی این اقدامات را «پل می گیرند» و فریاد «تهدید در خطر است» و «فرهنگ کهن ایرانی در خطر است» میسازند. تاریخ را در پیش خرافات بزود همه چیز را گندمال خواهد کرده بلند می کنند. به نوبه خود، وقتی این سروردا بالا گرفت، کسانی از آنسو، شکوه گنان از اقدامات مصله کفر و محاربه آنها با اسلام دم می زنند، آن ها هم به نوبه خود «پل می گیرند» و به عنوان مثال مشغول، از یکسو «آیندگان» خبر دروغ و مقاله تحریک آمیز منتشر می کنند و از سوی دیگر کسانی این شیوه نادرست و زیان بخش را «پل می گیرند» و مقابل به حمل نادرست، زیان بخش و تحریک آمیز اشغال «آیندگان» و اخبار و تهدید نویسندگان آن دست می زنند. و دوباره این عمل مجروح جنجال «هوادران آیندگان» در باره خطر فاشیسم می شود و جنگ بدینسان دیدم مغلوب تر و محیط دم به دم تشنه تر میشود.

این مکانیسم خطرناک است که می تواند به عمیق شدن اختلاف بین مذهبی و عرفی، بین مارکسیست ها و فیلس مارکسیست ها، بین لیبرال ها و دمکرات ها، بین خلق های مختلف کشور، منجر گردد و آن بازار آشفته ای را بوجود آورد که امپریالیست ها آرزو مندند و آن آب گل آلودی را پدیدکننده عمل ایرانی امپریالیسم خواستار آتند. و جانب تر و قابل تأمل تر از همه این که، هر دو طرف ظاهراً متخاصم، در واقع و در عمل تنها امام خمینی و حزب توده ایران را دشمن مشترک خود می دانند و متحداً، یکی از راست و یکی از «چپ»، امام خمینی و حزب توده ایران را مورد حمله قرار می دهند!

ما اکنون در گرمای فعالیت این مکانیسم خطرناک و دوزخی هستیم. به عنوان مثال، در مورد حزب توده ایران، بهمین جریان روزنامه های «آیندگان» و «کیمپان» نظری بیافکنیم: از طرفی نخست روز، در مصاحبه خود با روزنامه فرانسوی لوموند، چنانکه در روزنامه «پیغام امروز» نقل شده، مدعی می شود که «توده ایها و ساواکیها» (!) در کار روزنامه های آیندگان و پیغام امروز دست انداخته بودند. (۱) یا آقای جلال الدین فارسی، از مبلغان مذهبی ضد کمونیست، که پس از «پاک سازی» کیمپان، سرمقاله منصفی در دو شماره این روزنامه نگاهت، طی جملات متعددی، حملات ناروا و شدید و خشنی به «حزب توده» می کند و آنرا در کنار عمال امپریالیسم آمریکا به خرابکاری متهم می سازد؛ ولی از سوی دیگر، در اجتماع

روز ۲۹ اردیبهشت در دانشگاه، گروه «پیشگام»، در قلمنا خود، حزب توده ایران را، بعنوان حزبی که چون از موضع ضداپریالیستی امام خمینی پشتیبانی می کند، سازشکار می نامد و مورد حمله قرار میدهد. چگونه باید این معما را حل کرد که حزب توده ایران، در همین حال هم به آقای جلال الدین فارسی ضد کمونیست، صاحب کتاب «درسیهای علی بازرگانی» (که در رژیم گذشته چاپ شده) و هم به آقای سیدی بازرگان نخست وزیر، که «بی لطفی» بی پریشان نسبت به حزب ما و استاد داهی ایشان به «قوانین» طاهوتی علیه قانونیت حزب ما معروف همه است و اخیراً نیز «توده ایها» را در کنار ساواکیها، قرار می دهند، بدهکار است، و هم به کسانی که خود را پرچمدار مارکسیسم-لنینیسم انقلابی می دانند و حزب توده ایران را سازشکار و فرست طلب!

ب نظر ما، معما چندان لاینحل هم نیست. صرف نظر از نیات افراد (ما باین نیات کاری نداریم و حاضریم باور کنیم که نیات صادقانه برحسابهای موزیانه برساتبهر بندگی دارد.) نکته اینجاست که رهبر ارکستر واحدی، در پی پرده ایستاده است، و می داند چه کند؛ او میداند که بی گریزترین نیروهای انقلابی کیانند، او می داند که چگونه باید همه موارد را جور کرد تا جناح قاطع روحانیت و بر راس آن امام خمینی و احزاب و جمعیت های مانند حزب ما (که از مشی ضد امپریالیستی روحانیت مترقی پشتیبانی می کنند)، با نعام مختلف کوبیده شوند. چون اگر به سخنان آقایان نخست وزیر و جلال الدین فارسی باور کنیم که «جسرایدهی ما مانند آینه سگان و «کیمپان» و «پیغام امروز» را حزب توده ایران می گرداند، و هدف از حذف و پاکسازی آنها، سرکوب «توده ایها» و ساواکیها بوده است، در آن صورت اجتماع روز ۲۹ اردیبهشت دانشگاه، در درجه اول باید برای امپریالیست توده ایران، که مورد خیریت قرار گرفته، دلسوزی کند، ولی نه! در این جماع، لااقل در نزد برخی گروه ها از نوع «پیشگام»، اولین گام به منظور «گشودن راه دمکراسی و آزادی مطبوعات»، کوبیدن حزب توده ایران است! العظمة!

لذا اگر فاشیسم مارا تهدید می کند - که در واقع نیز تهدید می کند - از جانب امپریالیسم، و در درجه اول امپریالیسم آمریکا است، وسیله عمده عمل این فاشیسم هم تفرقه افکنی و تقنین و تحریک بین نیروهای بی گریز انقلابی علیه دیگر نیروهای بی گریز انقلابی است. و یکی از مظاهر بارز این خطر از یکسو توده ستیزی است و از سوی دیگر تضعیف رهبری امام خمینی. و این کوره است که دم به دم گرم تر و گرم تر می شود.

اگر واقعا نیت صادقانه ای برای جلوگیری از فاشیسم باشد، باید از این توده ستیزی، از دشمنی و مخالفت کورکورانه با حزب توده ایران خودداری کرد.

باید در جهت تضعیف رهبری امام خمینی نگویید، زیرا که این هر دو به سود ضد انقلاب است، آبریزی در آسیب امپریالیسم آمریکا است، چه کسی آنرا بنماید چه نخواهد، چه از آن آگاه باشد چه نباشد.

یامشی سیاسی درست خود، با تمرکز تمام نیروی خود برای سرکوب ضد انقلاب، با افشای دام های راست و «چپ»، با تقویت رهبری ضد امپریالیستی امام خمینی، با اتحاد خود در مبارزه بر ضد امپریالیسم، به سر کردگی امپریالیسم آمریکا و بی قیای رژیم شاه ساواک، نگذاریم فاشیسم دولتی، فاشیسم ساخته امپریالیسم، بر مبین ما مسلط شود.

تداوم انقلاب در همه جا...

بر گردانیده، پس از توجه دادن آنها به وظایفی که از لحاظ دینی و اخلاقی بر عهده دارند، برای انتباه آنها توصیه کردند که «اینجا باید ملامت بکنند یا برادرانی که خون داده اند» و آنگاه حاضرین ساختند:

شما تاجریهای محرم بودید در این میدانها، من که میدانم که شما نبودید، آنهایی که بودند از کاسبهای جزو بودند، و این حمل بود، این کارگر بود، این طلبه و دانشگانی بود، که همه فقیرند، این طبقه بودند که نیستند از پیش بردند و خون خودشان را و جوانان خودشان را دادند و این نیست از تژیی بردند.

و در پایان امام خمینی به آنها چنین هشدار دادند:

«باید اینها باید گران فروشی نکنند، باید خودشان جلوگیری بکنند از این مسائل، زیرا که بفرز اگرما روی تکلیف الهی عمل کنیم، کارشان زار است. نگذارند اینطور بشود»

مانظر امام خمینی را در باره حساس بودن موقعیت کنونی ایران کاملاً تأیید می کنیم. در اواخر هر نظام طاقتوری گذشته، آنگاه که دورانی سرسوزی انقلاب همه خلقی ما از گراه های افق نمایان بود، تنها در ظرف دو سه ماه، پیش از بیست میلیارد دلار از ثروت این کشور که حاصل عرق و خون صدها هزار مردم زحمتکش بود، بلست و ایستگان آن نظام

اگر می توانستیم، در هر مرحله از این مراحل، ما نیازمند شکنجایی و کار ستادی و فعالیت شبانه روزی هستیم. رهبری انقلاب، بخاطر ایجاد یک ایران مستقل، آزاد و آباد است که از کارگر و کشاورز و کارمند و زارع انتظار فداکاری و کار نهمی بردارد.

برای تأمین محیط مناسب کار و فعالیت نیز ما نیازمند تداوم انقلاب هستیم. تداوم انقلاب در تمام زمینه های حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی. در این زمینه خاص، وقتی امام خمینی خطاب به سرمایه داران بزرگ به درستی می گوید که: شما در هر یک از این طبقات مبارزه شرکت نداشته اید، این طبقات مستضعف بودند که با قربانی کردن عزیزترین کسان خود، انقلاب را بشمار رسانیدند و این خون پاک آنها است که انقلاب مارا تضمین می کند، و شما که در تمام آن دوران در مخافت و مگر بار کنار نشسته و سرگرم کار خود بودید، بدون اینکه خون از دماغ یکی از شما بیرون نیاید، اکنون که انقلاب بشمار رسیده، باز شما به استعمار این مردم زحمتکش ادامه داده اید، و اگر به این روش غارتگرانه ادامه دهید، و ما است که در تکلیف الهی عمل کنیم و در آن صورت کار شما زار خواهد بود - در واقع اشاره می کند به لزوم تداوم انقلاب.

این موضوع از همان بدو انقلاب به مردم وعده داده شد، برخی سخنگویند که این که کم کاری را توجیه کند و عواملی

رسمی و اداری و بیرونی انقلاب، با صراحت کافی در اوان پیروزی انقلاب، با صراحت کافی از زحمتکشان آنها را در برابر انقلاب اسبیل قرار دهند، تیره نماید - همین سستی و احمال در طرح یک برنامه روشن و قاطع و انقلابی است که بتواند تمام نیروهای کار را در جهت پیشبرد انقلاب تجویز و آماده کند، و از هر کس که جهت مرشد نوسازی را که عواملی می گرداند آخرا در چارچوب شایع سرمایه داران بزرگ محدود سازند، روشن نماید.

حزب ما، همانگونه که بطور قاطع از کارگران و زحمتکشان دعوت می کند، که خود را برای بازسازی در جهت اجرا و ایجاد هدف های اسبیل انقلاب، از طریق شرکت موثر در تلاش برای گذشتن از دشواری های کومیکری که بر سر راه انقلاب قرار دارد، آماده سازند، به همان نحو یکی از وسایط و عوامل این چنین تجویز و آمادگی را، تدوین یک برنامه انقلابی مندر جهت تحکیم حاکمیت سرمایه های بزرگ و وابسته و دعوت از سرمایه داران طرد شده بزرگ برای بازگشت، بلکه در جهت سلب قدرت از آرایین سرمایه داران، که عده بسیاری از آنها عالماً و عاملاً و به منظور ازمم گسستن رشته امور اقتصادی، موسسات خود را گذاشته و گریخته اند، میداند، تنها با طرح برنامه ای انقلابی می توان از مردم کار انقلابی برای بازسازی مطالبه کرد.

امام خمینی گفت...

کرده است و دیگر نفت نمیدهد. آنها از دوستان نزدیک آمریکا است و ما توقع نداریم. گفته بود چنانچه اگر این اقدامها ادامه پیدا کند در روابط ایران با آمریکا یک قدری خطر می افتد. البته که خطر نیست. ما روابط با آمریکا می خواهیم چه کنیم، روابط ما با آمریکا، روابط یک مظلوم با ظالم است. روابط یک غارت شده با یک غارتگر است ما می خواهیم چه کنیم آنها میل دارند که که خطر نیست. ما روابط با آمریکا می خواهیم چه کنیم، آنها میل دارند که با ما روابط داشته باشند. آنها چه احتیاجی با آمریکا داریم، آمریکا آنطرف دنیا است، آنها می خواهند که بازار در اینجا داشته باشند. آنها بساز طمع دارند که نفت ما را ببرند. هیچ توقع نداریم که دولت آمریکا یا سایر دول ابرقدرت آنها را که می خواهند منابع ما را ببرند حالا که ما دستشان را کوتاه کردیم بپایند تشکر هم بکنند. البته نباید هم بکنند. خیلی هم باید اظهار تأسف بکنند.

تأسف آمریکا از کشتن هویدا

آمریکاییان از کشتن هویدا آمریکا اظهار تأسف نکردند این از یک توکر ۱۰ سال یا بیشتر خوشی که از دستش رفته است اظهار تأسف نکرده این بی وفای است به توکر.

اگر از اینکه ما شماره می خواهیم محاسبه کنیم و محکوم کنیم یا اعدام کنیم اینها اظهار تأسف نکنند و اظهار تأثر نکنند از یک توکر سی قدرتی نکرده. قدرتی از یک توکر سی که همه زخاثر مارا تقدیم آمریکا کرده اینست که اظهار تأسف بکنند. باید دید که مظلومه چه میگوید، باید بهمین به ملت آمریکا چه میگویند، دولت آمریکا شکست خورده و مار زخمی است و سبائی آمریکا شکست خورده است او اظهار تأسف میکند.

در اهتزاز باد پرچم اتحاد!

پس از انقلاب ملی انقلابی ایران... پس از انقلاب ملی انقلابی ایران... پس از انقلاب ملی انقلابی ایران...



محمد مهدی باهنر، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی



محمد شریعتی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی



محمد باقر باهنر، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی



محمد باهنر، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی

در حاشیه نمایشگاه شهدای راه استقلال و آزادی ایران مادری ۲۵ کاردستی بافتنی به نمایشگاه هدیه کرد

نمایشگاه عکسها و اشیاء و نامه‌های شهید که به مناسبت سالروز شهادت خسرو روزبه قربان ملی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، در سالن میانه تالارها، در دانشگاه صنعتی تبریز، ترتیب یافته، شاهد صحنه‌های هیجان‌انگیزی است. بسیاری سالخورده‌گانی که در برابر تصویر شهیدی لاابند رقیبی یا دوستی، دقیقه‌ها می‌ایستند و اشک از دیده می‌سریزند. یا جوانانی که با دقت و دقت‌های کوچک خود رونویس می‌کنند. حقیقت بزرگ رعام وابستگی به آرمان‌های حزب توده ایران و سنت‌های درخشان آن نبرد در نمونه‌های کوچک و خاص پرشماری بروز می‌کند، که هدیه یاوفی میانه سال، یکی از آنها است. از زبان یکی از دوستان جوان مسئول امور نمایشگاه این نمونه‌ها با هم می‌خوانیم:

مادری نزد ما آمد، او می‌گفت من عضو سازمان جوانان حزب توده ایران بودم. مدت دو سال را در زندان گذراندم. ۲۵ سال انتظار این روز را می‌کشیدم. وقتی که اولین شماره «مردم» را دیدم، بی‌اختیار گریستم؛ به اینچنین آرزوهایم که حزب خود، حزب توده ایران کمک کند. من خیال و بافنده هستم. پولی هم ندارم. به همین دلیل تصمیم گرفتم برای کمک، این بافتنی‌ها را به حزب تقدیم کنم. تا با فروش آن‌ها کمی پول درآورم. از ۲۵ کاردستی بافتنی خود را روی زمین گذاشتم. از مادری این بار وفادار حزب توده ایران، از صمیم قلب سپاسگزاریم. و بشما یادآور می‌کنم که هنوز تا ۱۵ خردادماه فرصت دارید که بعد از ظهرها از ۲ تا ۷ از این نمایشگاه دیدن کنید.



محمد مهدی باهنر، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی

کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است

هوطنان! رفقا و دوستان!
حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تکمیل دستوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف با قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به‌خوب حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است. فعالیت‌های اصحاب، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اصحاب، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهایی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه‌مندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.
کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن ۹۴۵۷۲۸، ۹۴۴۴۵۹ - آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این علاقه‌مندان می‌توانند کمک مالی خود را به‌حساب بانکی زیرین بپردازند.
حساب بانکی به‌نام تقی گیشمن و به‌شماره ۴۳۳۳، شعبه ۶۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه‌سماعیل‌شوی)، خیابان شهید کتر حسین قاضی (ایران نوین سابق).

ابتکار جالب یک گروه حزبی برای پخش «مردم»

با توجه به مشکلاتی که هنوز در راه توزیع سریع و وسیع «مردم» در بین توده وجود دارد، یک گروه حزبی، مقالات مهمی از «مردم» را که می‌تواند راهنموی عام برای همه مبارزان باشد، جداگانه تکثیر و پخش می‌کند. ما ضمن تشکر از این گروه حزبی و تأیید این ابتکار، به همه اصحاب، هواداران و دوستان حزب توصیه می‌کنیم که از این ابتکار پیروی کنند، و در هر جا که

از کمک‌های رفقا و دوستان سپاسگزاریم
ادب راستی راستی زاده ۱۰۰۰۰ ریال
پیروز ۳۵۰۰ ریال
یداله ۱۰۰۰۰ ریال

به پخش هر چه وسیع‌تر «مردم» کمک کنید
کمک به توزیع و پخش هر چه وسیع‌تر روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، يك وظیفه انقلابی و مترقی است. از کلیه دوستان، هواداران و داوطلبان که برای پیشبرد این هدف، در هر نقطه از تهران یا هر یک از شهرها و روستاها، امکاناتی دارند، تقاضا داریم با دفتر مرکزی «مردم» تماس بگیرند.

مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته سه شماره: شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود.
نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۳۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

چرا فیلم امریکائی ضد ویتنامی «کلاه سبزه‌ها» در یادگان لاهوتی نمایش داده می‌شود؟

در یادگان لاهوتی (باغشا) فیلم «کلاه سبزه‌ها» به نمایش گذاشته شده است. این فیلم در هنگامه جنگ تجاوزی دو دهه‌ها پیش در ویتنام گرفته شد و به‌تازگی در ویتنام پخش شده است. این فیلم به‌تازگی در ویتنام پخش شده است. این فیلم به‌تازگی در ویتنام پخش شده است.

مافوقی شام ساواک، به‌نمایش این فیلم اعتراضاتی کردند. این فیلم - پس از انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران - دوباره به‌نمایش گذاشته شده، آن‌هم در یکی از یادگان لاهوتی ارتش! این اقدام را فقط نمی‌توان شکست انگیز دانست. این ژنگ خلق است، ژنگ خطر، رسالت آشکار ضد انقلاب، کینه‌مطلوبان اداره امور ارتش حق ندارند آنرا نشانیده بگردند.

ارتش کولونی ایران دیگر «ارتش شاهنشاهی» زانده ماشین جنگی امریکائی نیست که در آن تبلیغاتی بر مبنای جملات پیش‌مانه و افعیات سوداگر امپریالیست‌جهان خوار امریکا انجام گیرد. تبلیغاتی معمول و ضد ملی، که در آن امپریالیسم امریکائی در فرقه نجات و وحامی دولتی خلق‌ها و کمونیست‌ها در دندگان سیمه معرفی شوند که از خون بیگناهان تقدیس می‌کنند.

خاطره همه شهیدان را معلق را صرف نظر از وابستگی سازمانی، سیاسی و ایدئولوژیک آنها، علیه امپریالیسم و سلطنت استبدادی گرامی داشته‌ایم، و همچنان که در گذشته همواره از همه زندانیان سیاسی، صرف نظر از گرایش‌های مسلکی و مذهبی، و اصولاً مستنفا دفاع کرده‌ایم، امروز نیز، پس از پیروزی انقلاب و فادار به سنت‌های پایدار خود که اتحاد همه نیروهای مترقی و خواستار آزادی و استقلال را می‌طلبید، از تمام این شهیدانی که خون خسته خلق تجلیل می‌کنیم و می‌گوئیم: همانطور که آنان، در کنار روزبه‌ها و حکمت‌چوها و نیز ایما و رحیم‌ها بی‌گونه‌ها صرف نظر از گرایش مسلکی و تعلق سازمانی، جان مرگ و تا پایان علیه امپریالیسم و استبداد ریختند، امروز نیز، همه ما همه کسانی که خود را آزادانند راستین آن‌ها می‌دانند، وظیفه داریم که هر نوع تفرقه‌انگیزی و تفاسخ ساختگی مذهبی و عقیدتی را که به مبارزه عمده ما علیه دشمن اصلی، یعنی امپریالیسم و

ارتش کولونی ایران، ارتشی ملی و دموکراتیک است، یعنی باید ارتشی ملی و دموکراتیک باشد، باید ارتشی ملی و دموکراتیک گردد، که پاسدار مرزها و تمامیت ارضی کشور و پشتیبان خلق مستعبد ایران است. این ارتش نباید دست و دشمن خود را به‌درستی بشناسد، نه این که خودش را دشمن و دشمن را دوست تصور کند.
نمایش فیلم «کلاه سبزه‌ها» - به‌رود باید گفت یک عمل علنی و گستاخانه ضد انقلابی است. کسانی که این فیلم را در سر بازار خانه به‌نمایش گذاشته‌اند مبیعت شناسایی و مجازات شوند.
تبلیغات به‌سود امپریالیست امریکائی

بر قرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق